

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی



سید موسی عثمان "هستی"
ورجینیا - اضلاع متحده
۱۸ جولای ۲۰۱۰

قمچین ندامت

تو که پاینده نبودی چرا؟

پیکر عشق

بدل من تراشیدی

باز چه شد؟

همچو کبوتر

ز سر بام هوسها پریدی

پر زدی رفتی

به کشتزار جفا ها چریدی

برخود راحت و بر من عذاب خریدی

بتو گفته بودم؟

پیکر عشقت بدل

کوه نمایم

بتراش؟

کی گفتم که؟

که با تیشه پُر ز جفا

پیکردل را بخراش

بر چی تو؟

تراشیدی و

باز همچو کیوتر

ز بام بی پر و بال پریدی

بر خود دشت آزادی و

برم من

قفس تنگ طلایی خریدی

برو، ای جان که

ترک تو ستمگر کردم

جای افسوس که نام تو دلبر کردم

زندگی را بیاد تو

برباد

بلبل خسته به هر شاخ

شب و روز به فریاد

وای بر آن روز که

به عشق تو گرفتار شدم

چشم شهلای ترا دیده خریدار شدم

کس نداند که من امروز چرا؟

باز پشیمان شدم

تو پشیمان نشدی

من که پشیمان گشتم
تو گفتی و
مه خاموش
نشستم، بتو حیران گشتم
بشنو ای مرد
جفاکار و ستمگر
به من تراشیدی پیکر
راست میگو، که جفا کرد؟
تو یا من ؟
مردی و نامردی، قدمی فاصله دارد
عشق ما تا به ابد سلسله دارد
تو چرا؟
پای از
گلیم عشق کشیدی؛ بگو؟
بی وفائی تو کردی
یا که من؟
چشم شهلا نخریدی و برفتی
ز بازار شکوه کردی که
این چاک پیراهن درید
عشق را چو یوسف بنام
عصمت زلیخا بفروختی
قدر عشق ندانستی و
بهانه پاکی کردی
صد حیف که تو
پیرو یوسف مصری شدی
عشق پاکم به یک گندم گنده نخریدی
حالا که رفتم ز برت
دعوی آدم کردی

همه داند که
حوا
خود
به یکی دانه گندم نخردی
مرگ بهتر بُود
نه نشستن به پهلوی نامرد
خوب کردم که
مرگ را خریدار شدم
نه به عشق تو دوباره
گرفتار شدم
خوش از آنم که
از بام عشق تو
چون کبوتر پریدم
عشق ناکام خود
از سر بازار
جفایت خریدم
حالا گشتی پشیمان
آمدی سر سنگ مزار
برو ای بی وفا که
ز مجبوری ترک تو ستمگر کردم
عشق خود را بگور هوسها کردم
نادم از
آن که
ترا
روزی دلبر کردم
روی در خاک کشیدم
بخود این خاک سیه بالین کردم
کوچه عشق بدل

نه شکوه و نی کین کردم
اسپک عشق ناکام خوده زین کردم
رفتم از پیش و برت
بر سر تو دنیا را قمچین کردم